



برای از کار انداختن ماشین اعدام جمهوری اسلامی این رژیم را باید سرنگون ساخت!

رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی جنایتی جدید آفرید. این رژیم جنایتکار روز شنبه ۱۷ دی ماه دو جوان معترض به شرایط ظالمانه حاکم را به نام های محمدمهدی کرمی و محمدحسینی را با ددمنشی تمام به دار آویخت. این جنایت موج بزرگی از نفرت بر حق توده ها علیه جمهوری اسلامی و ماشین شکنجه و اعدام حاکم را برانگیخت و افکار عمومی نه تنها در ایران بلکه در سراسر جهان به محکوم کردن رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی پرداختند.

محمدمهدی کرمی و محمدحسینی دو جوان ستمدیده و قربانیان نظام سرمایه داری حاکم بودند که یکی از آنها کارگر مرغ داری و دیگری جوانی بیکار از میان زحمتکشان جامعه بود و در تامین مایحتاج خانواده همیار پدر دستفروش اش بود. محمد مهدی و محمد در شرایطی به دار آویخته شدند که جمهوری اسلامی مدعی پایان یافتن جنبش انقلابی توده های جان به لب رسیده ما می باشد. اما واقعیت این است که سران رژیم در طول قریب به چهار ماه گذشته به رغم دست زدن به هر جنایتی قادر به سرکوب توده های به جان آمده نگشته اند. در نتیجه برای ایجاد رعب و وحشت، بیدادگاه های خویش که در هیچ یک از آنان حتی قوانین ظالمانه خود حکومت رعایت نمی کردند را بکار انداخته با این امید که توده های به پا خاسته را منکوب و از تداوم مبارزه علیه نظام ستمگرانه حاکم باز دارند. جرم این جوانان و تمامی زنان و مردانی که در سیاهچال های حکومت در زیر شکنجه های وحشیانه و یا احکام اعدام قرار دارند چیزی جز جرات مبارزه علیه ستم و استبداد سرمایه داران حاکم و حکومت جنایت پیشه آنان یعنی جمهوری اسلامی نبوده و نیست.

بدون شک اعدام مخالفین همواره یکی از ابزارهای دیکتاتورها جهت ایجاد رعب و وحشت در جامعه و ترساندن مردم می باشد. اما در شرایطی که توده های جان بر کف ما سلطه رژیم دار و شکنجه را به چالش کشیده اند این اعدام ها به جای رعب و وحشت، خشم و کین مردم مبارز و انقلابیون را فزونی می بخشد. همانطور که اعدام محسن شکاری و مجید رضا رهنورد آتش مبارزات مردم را شعله ور تر ساخت. بیهوده نبود که بلافاصله پس از اعلام خبر اعدام محمد مهدی و محمد، توده های مبارز در شهرهای مختلف خشم و نفرت خود از حکومت را با فریادهای "مرگ بر جمهوری اعدامی"، "مرگ بر خامنه ای"، "هر چه نفر کشته شه هزار نفر پشتشه" و ... اعلام کرده و آشکارا بر تداوم مبارزه علیه جمهوری اسلامی و عزم خود بر سرنگونی آن تاکید کردند.

واقعیت این است که دیکتاتوری حاکم در بن بست خود ساخته گرفتار شده است. اگر بگشود خشم و کین توده ها را فزونی می بخشد و آنها را برای مبارزه جهت رهایی از وضع ظالمانه حاکم مصمم تر خواهد کرد؛ و اگر نگشود مردم جان به رسیده برای پایان بخشیدن به حیات ننگین جمهوری اسلامی با سرعتی فزونتر و در ابعاد وسیعتری به میدان وارد خواهند شد. این بن بست نشان می دهد جمهوری اسلامی در شرایطی قرار گرفته که هر گامی بردارد شرایط مرگ خود را هر چه مهیاتر می سازد. اکنون مدتهاست که سردمداران جنایتکار جمهوری اسلامی با همه توان و فریبکاری می کوشند چنین جلوه دهند که خیزش مردمی به پایان رسیده و آنها توانسته اند با دستگیری های وسیع و باورنکردنی توده های ستمدیده و کشتار و مجروح کردن هزاران نفر از معترضان، آتش این خیزش را فرو نشانند. اما هنوز مرکب ادعاهای سخیفشان خشک نشده خود را با موج جدیدی از مبارزات توده ها مواجه دیده اند.

اعدام بیرحمانه محمد مهدی کرمی و محمد حسینی در شرایطی به وقوع می پیوندد که چه تجربه مبارزات بیش از چهار دهه گذشته و چه تجربه مبارزات بیش از صد روز اخیر بروشنی نشان داده اند که

دار و دسته حاکم زبانی جز زبان زور نمی شناسد و با زبانی جز زبان زور نمی توان با آنها سخن گفت. به همین دلیل هم چه برای آزادی هزاران معترض بازداشت شده از سپاهچال های جمهوری اسلامی و چه برای جلوگیری از اعدام بیش از صد معترضی که در بیدادگاه های دیکتاتوری حاکم به مرگ محکوم شده اند چاره ای جز تشدید مبارزه و ادامه انقلاب جاری تا نابودی جمهوری اسلامی وجود ندارد. برای رسیدن به آزادی باید جمهوری اسلامی و نظم ظالمانه حاکم نابود گردد و این مهم از طریق جنگی قاطع و مسلحانه توده ای که آغازگرش گروه های سیاسی-نظامی ای می باشند که دست به مبارزه مسلحانه پارتیزانی علیه جمهوری اسلامی می زنند، امکان پذیر می گردد. این جنگ را باید سازمان داد و مردم را برای پیشبرد آن متشکل و مسلح نمود. این است وظیفه لحظه کنونی و این است پاسخ مردم ما به اعدام های ددمنشانه جمهوری اسلامی.

**جمهوری اسلامی دشمن زحمتکشان، نوکر غارتگران نابود باید گردد!
پیروز باد خیزش انقلابی توده های جان به لب رسیده!
رندانی سیاسی آزاد باید گردد!**

**چریکهای فدائی خلق ایران
۱۸ دی ماه ۱۴۰۱ برابر با هشتم ژانویه ۲۰۲۳**